



Pigeon and Pigeon Racing as a Social Subject: Reflection of Pigeon and Pigeon Racing in Folk Culture with Emphasis on Social and Historical Texts

Saeed Mehri^{1*}

¹ PhD in Persian literature from Ferdowsi University of Mashhad. Mashhad, Iran

| Article Info | ABSTRACT |
|--|--|
| <p>Article type: Research Full Paper</p> <p>Article history: Received: 2024-3-18 Accepted: 2024-5-1</p> <p>Keywords: Pigeon Pigeon Racing Social Component Sanctity</p> | <p>Coexisting with humans since olden times, pigeons played a notable role in most human societies. Thus, one can examine their status and function as a social component. The current article looks at pigeons from a social perspective and scrutinizes literary texts (stories, literary pieces in prose, poets' writings) and religious and historical ones to study their roles, functions, and uses in human communities. To this end, the study initially investigated pigeons' images in the Koran and religious texts. The study found that pigeons enjoyed reverence and sanctity in such a way that religious rules were established for their slaughtering and hunting. Also, scrutinizing literary and historical texts indicated that pigeons were one of the common pastimes in past eras and pigeon flying was a popular hobby among ordinary folks and even kings. Contrary to the common belief that falcons were the favorite birds of kings, pigeons, according to this study, had special importance for kings. Furthermore, based on this research findings, Iranians held pigeons sacred. They also used them for entertainment and medical and agricultural purposes. Finally, pigeons' sociability explains their strong presence among humans.</p> |

Cite this article Mehri, S. (2024). Pigeon and Pigeon Racing as a Social Subject: Reflection of Pigeon and Pigeon Racing in Folk Culture with Emphasis on Social and Historical Texts. *Social Issues in Persian Literature*, 2 (3), 1-12.



©The author(s)

Publisher: Golestan University

Doi: 10.30488/sipl.2024.449096.1052



کبوتر و کبوتربازی به عنوان امری اجتماعی؛ بررسی کبوتر و کبوتربازی در فرهنگ عامه با تکیه بر متون ادبی و تاریخی

سعید مه‌ری^{*۱}

^۱ دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|--|--|
| <p>نوع مقاله: مقاله کامل علمی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۲</p> <p>واژه‌های کلیدی: کبوتر کبوتر بازی عنصر اجتماعی تقدس</p> | <p>کبوتر از پرندگانی است که از دیرباز با انسان‌ها همزیستی داشته و دارای نقش چشم‌گیری در اغلب جوامع بشری بوده است، به گونه‌ای که می‌توان جایگاه و عملکرد آن را به‌عنوان یکی از عناصر اجتماعی بررسی کرد. در این مقاله کوشش شده است با بررسی متون ادبی (دیوان‌های شاعران، متون منثور ادبی، داستان‌ها و...)، تاریخی و دینی و از منظری اجتماعی به کبوتر نگریسته شود و نقش‌ها، فواید و کارکردهایی را که کبوتر در اجتماع داشته، بررسی شود. از این‌رو ابتدا تصویر کبوتر را در قرآن و متون دینی بررسی کردیم. این بررسی‌ها نشان می‌دهد کبوتر نوعی تقدس و حرمت دارد، تاجایی که برای شکار و ذبح آن قواعد شرعی خاصی وضع شده است. همچنین تفحص در متون ادبی-تاریخی، نشان می‌دهد که کبوتر یکی از عوامل سرگرمی بشر در ادوار مختلف بوده و کبوتربازی یکی از بازی‌های رایج، نه تنها در بین عموم مردم، که حتی در بین شاهان نیز بوده است. بنابراین برخلاف این باور رایج که «باز» تنها پرندۀ شاهانه بوده، پژوهش پیش رو نشان می‌دهد کبوتر نیز برای شاهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. افزون بر موارد فوق، این پژوهش نشان‌دهندۀ نقش‌های گوناگون کبوتر، از جمله سرگرم‌کنندگی، فواید پزشکی و کشاورزی و نیز داشتن وجهه‌ای مقدس در بین ایرانیان است و نیز دلایل و اسباب اجتماع‌پذیر بودن این پرندۀ و علل حضور پررنگ آن را در بین انسان‌ها بیان می‌کند.</p> |
| <p>استناد: مه‌ری، سعید. (۱۴۰۳). کبوتر و کبوتربازی به‌عنوان امری اجتماعی؛ بررسی کبوتر و کبوتربازی در فرهنگ عامه با تکیه بر متون ادبی و تاریخی. نشریه: اجتماعیات در ادب فارسی، ۲ (۳)، ۱-۱۲.</p> | |
| <p>Doi: 10.30488/sipl.2024.449096.1052</p> <p>ناشر: دانشگاه گلستان © نویسندگان.</p> | |



بیان مسئله

کیبوتر یکی از شناخته شده‌ترین پرندگان برای انسان است و پیوند قابل توجهی با زندگی و اجتماع آدمی دارد. در متون مختلف جانورشناسی، کشاورزی و حتی پزشکی، همواره به کیبوتران و اهمیت آن‌ها پرداخته شده است. شاعران و نویسندگان نیز در آثار خود به کیبوتران اشاره‌های زیادی کرده‌اند و در ساخت تصاویر ادبی از آنها بسیار استفاده کرده‌اند. در این تصاویر گاهی به استفاده‌هایی که از کیبوتر می‌شده و یا خواص کیبوتر در درمان بیماری‌های اشاراتی شده است و یا در متون عرفانی از بُعد رمزی به آن نگریسته شده و با توجه به رنگ و شکل آن، اغلب رمز و یا نماد روح آدمی دانسته شده است. در متون ادبی معاصر، چه شعر و چه داستان، به کیبوتر بیشتر از بُعد نمادین نگریسته شده است و آن را نماد صلح و دوستی، زن و ... جلوه داده‌اند و دیگر به مانند متون ادبی گذشته، اشاره‌هایی به ویژگی‌ها و خواص مختلف کیبوتر نمی‌شود.

به هر روی کیبوتر، از پرندگانی است که در متون ادبی جلوه‌ای پررنگ دارد و به خواص و ویژگی‌های مختلف آن اشاراتی شده است، از این رو بایسته است نگاهی به جایگاه این پرنده در جامعه و ارزش و اهمیت آن بیندازیم؛ پرنده‌ای که به تعبیر ژان شوالیه بی‌نهایت اجتماعی است (شوالیه، ۱۳۸۵، ج ۴: ۵۲۷). در این مقاله در نظر داریم به کیبوتر از منظر اجتماعی بنگریم و نشان دهیم این پرنده، از منظر اجتماعی چه نقش‌هایی داشته و برای جامعه انسانی چه کارکردها و فوایدی داشته است. در این راستا، ابتدا به بررسی حضور کیبوتر در قرآن و متون روایی می‌پردازیم تا جایگاه این پرنده را از منظر دینی - مذهبی مشخص کنیم؛ سپس با بررسی متون کهن در زمینه پزشکی، کشاورزی، جانورشناسی و ادبی فواید، کارکردها و خواص این پرنده را بررسی می‌نماییم.

کیبوتر در قرآن و تفاسیر

در قرآن کریم، معادل عربی کیبوتر، یعنی حمامه/ یمامه به‌طور مستقیم کار نرفته است، اما اشارات بسیاری به پرندگان (طیر/طیور) شده است. مثلاً در سوره نحل به پرندگانی اشاره شده است که در آسمان پرواز می‌کنند و تنها خداوند را نگهبان آنان معرفی کرده است (نحل: ۷۹). یا در داستان حضرت سلیمان که پرندگان حضوری پررنگ دارند و خاصه پرنده‌ای به نام هدهد که یکی از اصلی‌ترین شخصیت‌های این داستان است؛ در سوره نمل به حضور پرندگان در سپاه حضرت سلیمان اشاره شده است: وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (نمل: ۱۷). یکی از بارزترین داستان‌های قرآن که پرندگان در آن حضور پررنگی دارند، داستان چگونه زنده کردن مردگان است که حضرت ابراهیم از خداوند درخواست کرد به او بنمایاند. این ماجرا در سوره بقره و از آیه ۲۶۰ به بعد آمده است. در این داستان، بعد از بیان درخواست ابراهیم (ع) از خداوند، خداوند به او می‌گوید چهار پرنده انتخاب کن: وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِمُ تُوْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنَّ لِيُطَمِّنَ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا وَاعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (بقره: ۲۶۰). در تفاسیر، برای این چهار پرنده انواع مختلفی گفته‌اند؛ طبری از قول امام جعفر صادق (ع) این چهار پرنده را «خروس، طاووس، کلاغ و کیبوتر» دانسته است (طبری، بی تا، ج ۵: ۴۹۴). میدی هم ترتیب این پرندگان را «خروه، طاووس، کیبوتر و کلاغ» ذکر می‌کند و بیان می‌کند برخی مفسرین به جای کیبوتر، کرکس گفته‌اند (میدی، ج ۱، ۱۳۶۱: ۷۱۴).

یکی دیگر از داستان‌های قرآن که کیبوتر در آن نقش مهمی دارد، داستان حضرت نوح و کشتی او است. پس از اینکه طوفان فروکش کرد و کشتی نوح بر کوه جودی نشست، نوح برای آگاهی از وضعیت آن منطقه، کلاغ را روانه می‌کند، اما کلاغ در آنجا به مردار مشغول شد و از مأموریت خود باز ماند: «پس کیبوتر را فرستاد و گویند قمری را فرستاد. قمری رفت و هیچ خبری نییافت و نوح دانست که هنوز آب است. پس از هفت روز دیگر باز رفت و باز آمد پای در گل و برگی از درخت زیتون در منقار گرفته بود. نوح بدانست که آب فرو خورده شد. ویرا دعا کرد: اللهم اشفق قلوب الادميين عليه» (بخاری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۹۳). بر طبق روایتی که بخاری آورده، کیبوتر برای کسب اخبار و اطلاعات فرستاده می‌-

شود و در قبال کار نیکی که می‌کند نوح نیز در حق او دعا می‌کند و از خداوند می‌خواهد دل آدمیان بر این پرنده نرم و مهربان گردد، و از نگاهی اسطوره‌ای، دعای نوح بوده که سبب شده است این پرنده با آدمیان خوگر شده باشد. نکته جالب این که در ادامه بخاری اشاره می‌کند به سبب این کار نیکو، نوح خلعتی به او داد و آن پر درآوردن پاهای آن کبوتر است: «خلعتی یافت تا بر پای او پر برآمد و آن نسل همچنان باقی ماند» (همان) که در واقع اشاره به نوعی از کبوتران است که امروزه معروف به کبوتران پاپر هستند.

افزون بر موارد فوق، در برخی داستان‌های دیگر قرآنی هم، کبوتر نقشی دارد، هرچند نقشی ناملموس باشد. از جمله این داستان‌ها، ماجرای قوم لوط است. هر چند در ظاهر این داستان نشانی از کبوتران نیست، اما مفسران چند گناه برای قوم لوط ذکر کرده‌اند که یکی از آن‌ها مربوط به کبوتر است. مقدسی از قول قتاده نقل می‌کند که «ده خصلت بود که قوم لوط داشتند و مایه هلاک ایشان گردید. با مردان آمیزش داشتند و با کبوتران بازی می‌کردند و دف می‌زدند و کمان گروهه می‌افکندند و انگشتک می‌زدند و سرخ می‌پوشیدند و با دستشان کف می‌زدند و با لبشان سوت می‌زدند و شراب می‌خوردند و ریششان را کوتاه می‌کردند و شاربها را بلند می‌کردند» (مقدسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۴۴). بنابراین در کنار دیگر گناهان قوم لوط، از کبوتربازی هم به عنوان یکی از گناهان یاد شده است و شاید این تنها تصویر منفی از کبوتر در داستان‌های قرآنی باشد.

کبوتران در احادیث و روایات دینی

بخشی از روایات و احادیثی که درباره کبوتران نقل شده، مربوط به تفسیر آیاتی است که در بالا ذکر کردیم. اما در میان روایاتی که از پیامبر اسلام و امامان شیعه نقل شده، توصیه‌های بسیاری به نگهداری و حضور کبوتر در خانه‌ها شده است و برای این فوایدی چند ذکر کرده‌اند. همچنین احادیث چندی دیده می‌شود که حاکی از علاقه پیامبر اسلام به کبوتران است. دمیری روایتی را از قول عایشه نقل می‌کند که «کان النبی صلی الله علیه و سلم یعجبه النظر إلی الخضره و إلی الأترج و إلی الحمام الأحمر (دمیری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۶۵)». برطبق این روایت، پیامبر در کنار نگرستن به سبزه و ترنج، از نگرستن به کبوتر سرخ نیز لذت می‌برده است. دمیری خود نقل می‌کند که پیامبر اسلام در خانه‌اش یک جفت کبوتر قرمز به نام «وردان» داشته است (همان، ۳۶۵).

دمیری ماجرای نقل می‌کند که به چند فایده و کارکرد کبوتر اشاره می‌کند؛ براساس نقل دمیری، روزی علی (ع) نزد پیامبر اظهار اندوه و گرفتگی می‌کند، پیامبر (ص) به او توصیه می‌کند یک جفت کبوتر تهیه کند، چرا که در هنگام بغیغو کردنش، ذکر خدا را می‌گوید. دمیری این ماجرا را به گونه‌ای دیگر نیز نقل کرده است که عیناً متن آن را ذکر می‌کنیم: «عن علی بن ابی طالب رضی الله تعالی عنه، أنه شکا إلی رسول الله صلی الله علیه و سلم الوحشه فقال له: اتخذ زوجا من حمام تؤنسک و تصیب من فراخها و توظک للصلاة بتغریدها» (همان، ۳۶۵). در این نقل، پیامبر (ص) کبوتر را مونس و همدمی معرفی کرده است که با آوازش انسان را برای نماز بیدار می‌کند و نیز می‌تواند از آن جوجه بگیرد. اهمیت کبوتر تاجایی بوده است که در یکی از مهم‌ترین جوامع روایی شیعی، یعنی اصول کافی، بابی جداگانه برای کبوتران گشوده است. کلینی روایتی نقل کرده است که امام صادق برای دور ماندن از آزارهای اجنه، توصیه به نگهداری کبوتر در خانه‌ها کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۵۴۶). همچنین نقل کرده که امام صادق (ع) بال زدن کبوتر را سبب دور شدن اجنه دانسته است. در روایت جالب توجه دیگری از امام صادق، نقل کرده که حضور کبوتر در خانه، مانع از خرابی و انهدام آن می‌شود (همان، ۵۴۷).

این حجم از روایات و با این مضامین مثبت در خصوص کبوتران، حاکی از اهمیتی است که این پرنده در جوامع اسلامی داشته است. این اهمیت تا بدانجاست که در شریعت اسلامی، برای صید این کبوتر، قواعد و احکام خاصی وجود دارد و این پرنده را نباید در هر جا و هر زمانی صید کرد. در متون فقهی، درخصوص کبوتر، برای زائران خانه خدا قوانینی وجود دارد. در این متون، صید کبوتر در حرم، عملی حرام است. همچنین اگر کسی مُحرم باشد و کبوتری

را در حرم صید کند، افزون بر اینکه عملی حرام مرتکب شده است، باید کفاره هم بدهد؛ کفاره این عمل، یک گوسفند است. حال اگر کیبوتر بچه‌ای را صید کرده باشد، باید برای کفاره یک بره یا بزغاله کفاره بدهد و اگر تخم کیبوتری را بشکند، باید یک درهم کفاره بدهد (النجفی الجواهری، ۱۳۶۲، ج ۲۰: ۲۲۸). مجلسی روایتی نقل کرده که شخصی یک پراز کیبوتران حرم را برکند و حکم آن را از امام صادق (ع) پرسید، امام گفت: باید به فقیری صدقه بدهد و این کار حتماً با همان دستی که پراز کیبوتر را برکنده انجام شود، چرا که آن دست موجب درد کیبوتر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶: ۱۵۳). در همانجا نیز روایتی دیگر نقل کرده که شخصی کیبوتر حرم را ذبح کرد، اما امام صادق (ع) اجازه خوردن آن را نداد و گفت باید آن را دفن کند و حق خوردنش را ندارد (همان، ۱۵۳).

این روایات حاکی از اهمیت این پرنده در متون دینی است و نیز نشان می‌دهد پیشوایان دینی و مذهبی نیز به این پرنده ارادت داشته‌اند و توصیه‌های بسیاری از آنان برای نگهداری و آزار نرساندن به کیبوتران به دست ما رسیده است. تاجایی که کسی چند کیبوتر از مدینه خریده بود و با خود به کوفه برده بود، از امام کاظم (ع) پرسیده بودند که آیا خطایی مرتکب شده است؟ امام کاظم (ع) هم گفته بود بابت هر کیبوتری که از شهرش دور کرده‌ای، یک گوسفند قربانی کن و به فقرا بده (همان، ۱۵۱).

فواید کیبوتران در پزشکی و کشاورزی

یکی از کارکردهایی که کیبوتران داشته و انسان‌ها را مجاب به نگهداری و پرورش آنها می‌کرده است، منافعی بوده که در زمینه کشاورزی برای انسان‌ها داشته است، خاصه در ادوار پیشین که صنعت و تکنولوژی پیشرفت نکرده بود و کشاورزی به صورت سنتی انجام می‌شد و صنایع پتروشیمی پدید نیامده بود تا کودهای شیمیایی و سموم کشاورزی تولید کنند. از این‌رو برای افزایش محصول به حیوانات و کود آنان متکی بودند. یکی از این حیوانات که در کشاورزی اهمیت بسیاری داشت، کیبوتر بود. عبدالعلی بیرجندی، از کسانی که در سده دهم هجری، کتابی در زمینه کشاورزی تألیف کرده است، به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید رسم است که دهقانان در زمین‌های کشاورزی کیبوترخانه می‌سازند تا از سرگین آن‌ها برای برای زراعت استفاده کنند (بیرجندی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). دنیسری، مؤلف دایره‌المعارف نوادرالتبادر، می‌گوید: «اگر سرگین هر مرغی که باشد با هر تخمی که بود، بیامیزند، سیما سرگین کیبوتر که خدای تعالی اندر آن افزونی کشت نهاده است» (دنیسری، ۱۳۸۷: ۲۶۰). هروی که در قرن دهم هجری کتابی مستقل در زمینه کشاورزی تألیف کرده است، از اهمیت سرگین مرغان [مطلق پرندگان] در کشاورزی می‌گوید، اما سرگین کیبوتر را از همه بهتر می‌داند: «سرگین هر مرغی برای زراعت و درخت‌ها نیک است الا سرگین بط که آن نیک نیست و بهترین همه، سرگین کیبوتر است» (ابونصری هروی، ۲۵۳۶: ۸۰).

کرمانی در کتابی که مخصوص زراعت تألیف کرده، در بخشی که مربوط به زور [منظور کود] زمین است، سرگین کیبوتر را کودی بسیار قوی برای زمین معرفی می‌کند که ممکن است گیاه را بسوزاند. وی برای بهره‌گرفتن از این کود، به رسم مردم اصفهان اشاره می‌کند که «کیبوترخان می‌سازند و چندین هزار کیبوتر جمع می‌شود در آن‌ها و زورش را با خاک داخل کرده به صحرا می‌دهند» (کرمانی، بی تا: ۸۶). همچنین مالیدن سرگین خیس شده کیبوتر را به برگ درخت، موجب افزایش باردهی درخت می‌دانستند و یا در برخی میوه‌های خاص، مانند انجیر، موجب زودتر پخته شدن آن می‌دانسته‌اند (بیرجندی، ۱۳۸۷: ۶۳ و ۴۱).

در سفرنامه‌هایی که گردشگران مختلف درباره ایران نوشته‌اند، عموماً به کیبوتران و نقش آن‌ها در زندگی ایرانیان اشاراتی دیده می‌شود. مثلاً تاورنیه، بانویی فرانسوی که در دوره شاه صفی به ایران آمده است، به نقش کیبوتران در کشاورزی ایران اشاره کرده است. برطبق گزارش وی در اطراف اصفهان سه کیبوترخانه بوده است که کیبوتران بسیاری در آن بوده‌اند، این کیبوترخانه‌ها تماماً برای پادشاه بوده است و اهمیت آن برای شاه، فروش کود این کیبوترها به کشاورزان بوده است؛ چرا که مخصوصاً برای کاشت و پرورش خربزه، کشاورزان اصفهانی به این کود نیاز داشته

اند(تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۷۱). شاردن نیز به کبوترها و کبوترخانه‌ها توجه بسیاری داشته و او نیز اذعان می‌کند مخصوصاً در اطراف اصفهان، کبوترخانه‌های بسیاری وجود دارد و شمار آنها را تا سه هزار! گفته است که این کبوترخانه‌ها از بزرگ‌ترین کبوترخانه‌های فرانسه، تا شش برابر بزرگتر است. وی نیز اشاره می‌کند که کبوترها را نه صرفاً برای گوشت آنها، بلکه برای کود آنها پرورش می‌دادند. کشاورزان برای شیرین و تُرد شده خربزه‌هایشان، این کودها را، که به تعبیر شاردن، چلغوز می‌گویند، می‌خریدند و بخشی از عایدی فروش این کودها به پادشاه می‌رسید (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۴: ۱۲۲-۱۲۳). جکسون نیز که در اواخر دوره قاجار به ایران آمده بود، از این کبوترخانه‌ها و فروش کود کبوتران یاد کرده است، اما درباره سهم شاه از فروش این کودها، چیزی نگفته است؛ شاید در دوره قاجار دیگر از فروش کود کبوترخانه‌ها، چیزی به شاهان نمی‌رسیده است (جکسون، ۱۳۵۷: ۳۰۶).

کبوتران: وسیله ارتباطی

یکی از استفاده‌های رایج از کبوتر در طول تاریخ، به کارگیری آن برای ارتباط بوده است. کبوتر به واسطه قدرت شگفت‌انگیزی که در مسیریابی دارد، وسیله ارتباطی مهمی برای بشر بوده است، البته این قدرت در تمام پرندگان مهاجر وجود دارد، اما در کبوتر بسیار بیشتر است. سابقه استفاده از کبوتر به‌عنوان قاصد، در ایران به هزاره اول پیش از میلاد می‌رسد (دیگار، ۱۳۸۵: ۲۲۳). سعداوی در کتاب خود به نام *نظام‌البرید فی الدوله الاسلامیه*، پُست را به دو نوع بری و جوی [زمینی و هوایی] تقسیم می‌کند و مقصود از نوع جوی، همان ارسال نامه با کبوتر نامه‌بر است که اعراب به آن حمام‌الزاجل می‌گویند. وی با شواهد تاریخی بسیار، استفاده از کبوتران نامه‌بر را نزد خلفای مسلمین نشان می‌دهد؛ چرا که به سبب وجود صحراهای صعب‌العبور در مناطق عربی، ارسال نامه به وسیله پیک زمینی ناممکن و یا بسیار دشوار بوده است (سعداوی، ۱۹۵۳: ۱۳۴-۱۳۹) و در متون ادبی - تاریخی پس از اسلام نیز شواهد بسیاری برای این کارکرد کبوتر وجود دارد. بنا بر گزارش نظامی عروضی، در ماجرای کشته شدن ماکان کاکوی، خبر کشته شدن او را با کبوتر به نوح‌بن منصور رساندند: «پس اسکافی دو انگشت کاغذ برگرفت و بنوشت: اما ما کان فصار کاسمه و السلام. ازین ما مای نفی خواست و از کان فعل ماضی تا پارسی چنان بود که ماکان چون نام خویش شد یعنی نیست شد. چون این کبوتر به امیر نوح بن منصور رسید ازین فتح چندان تعجب نکرد که ازین لفظ و اسباب ترفیه اسکافی تازه فرمود و گفت چنین کس فارغ دل باید تا بچنین نکتها برسد» (نظامی عروضی، ۱۳۸۸: ۱۰۹). از این حکایت برمی‌آید که نامه‌هایی که با کبوتر می‌فرستاده‌اند بسیار کوتاه بوده و کاغذ اندکی استفاده می‌شده است [دو انگشت کاغذ] و حتی از نوشتن نام خدا و یا القاب خودداری می‌کرده‌اند. همچنین برای اطمینان از رسیدن نامه، گاهی به فاصله یک تا دو ساعت، کبوتری دیگر را هم گسیل می‌کردند تا اگر کبوتر اولی شکار شاهین و باز شد، دومی به مقصد برسد و یا حلقه‌ای زرین به پای کبوتر می‌بسته‌اند تا اگر کبوتر نامه‌بر به دست غیر افتاد، به آن حلقه زرین مشغول شود و کبوتر را رها کند (شمیسا، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۳۸۷: ۹۹۵-۹۹۶). وراوینی در داستان زن دیبا فروش و مرد کفشگر به کارکرد قاصد بودن کبوتر اشاره می‌کند (وراوینی، ۱۳۹۲: ۴۱۲). اشارات بسیاری در متون ادبی در خصوص نامه‌بری کبوتران وجود دارد، اما در اینجا به نقل چند بیت از خاقانی اکتفا می‌کنیم که به جزئیات و چگونگی ارسال نامه با کبوتران اشاره‌های خوبی دارد:

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| بازی کبوترا تو ز من نامه‌ای ببر | نزدیک یار و پاسخش آور به سوی من |
| درد دلم ببین که دلم وصل جوی اوست | آه ای کبوتر از دل سیمرغ جوی من |
| زنهار تا به برج دگر کس بنگذری | برجت سرای من به و صحرات کوی من |
| گستاخ برمپر که مبادا که ناگهی | شاهین بود نشانده به راهت عدوی من |
| بر پای بندمت زر چهره که حاسدان | بی‌رنگ زر رها نکنندت به سوی من |

خاقانی است جوجو در آرزوی او او خود به نیم جو نکند آرزوی من

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۶۵۱).

کبوتر در رؤیا و مکاشفات

در متون عرفانی، به پرندگان توجه بسیاری شده است و معمولاً به صورت رمزی از آن‌ها نام برده‌اند؛ تاجایی که در ادبیات عرفانی فارسی و عربی می‌توان از رساله‌الطیراهی چند یاد کرد که داستان‌هایی رمزی دربارهٔ پرندگان بیان کرده‌اند. باتوجه به نگاه خاص صوفیان به اتفاقات و پدیدارها و نگاه ذوقی و تأویلی آنان، نکتهٔ جالب توجه در آثار عرفا، این است که نگاه آنان به کبوتر، نگاه مثبتی بوده است و یا نمادپردازی آنان و تفسیر/تعبیر آنان از کبوتر، تصویری مثبت از این پرنده را بازتاب می‌دهد. مثلاً هجویری در کشف‌المحجوب، از تجربهٔ دیدار یک کبوتر بر سر مزار شیخ ابوسعید، چنین می‌گوید: «وقتی به میهنه بر سر تربت شیخ بوسعید - رحمه الله علیه - نشسته بودم تنها، بر حکم عادت، کبوتری دیدم سپید که بیامد و در زیر فوطه‌ای شد که بر تربت وی انداخته بودند. گفتم مگر از کسی جسته است و چون برخاستم نگاه کردم در زیر فوطه هیچ چیز نبود. دیگر روز و سدیگر روز بدیدم و اندر تعجب آن فروماندم. تا شبی وی را در خواب دیدم آن واقعه از وی پیرسیدم گفت: آن کبوتر صفای معاملت من است که هر روز اندر گور به منادمت من آید» (هجویری، ۱۳۹۰: ۳۵۱). این تعبیر از کبوتر، ناظر به شکل ظاهری آن و رنگ آن است که ابوسعید آن را نشان پاکی و صفا گرفته است.

در تذکره‌الاولیای عطار، در ماجرای مرگ جنید و تشییع جنازهٔ او نیز حضور کبوتر را می‌بینیم؛ این بار نیز کبوتری سپید رنگ بر گوشهٔ تابوت جنید می‌نشیند و چنان که از فحوای متن بر می‌آید، این کبوتر نماد عشق و یا فرشتگان کروی است: «چون جنازه برگرفتند کبوتری سپید بیامد و بر گوشه جنازه بنشست. اصحاب بسی آستین افشاندند تا مگر برخیزد سود نداشت تا آن مرغ آواز برداشت که خود را و مرا مرنجانید که چنگ من به مسمار عشق بر دوخته‌اند بر گوشه‌ای به عشق او من از بهر آن نشسته‌ام. شما رنج خویش ضایع مکنید که امروز قالبِ جُنَیدِ نصیب کروبیان است. اگر زحمت غوغای شما نبود امروز کالبد او چون باز سپید در هوا با ما پریدی» (عطار، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۴۰۱: ۴۶۶). در جایی دیگر، عطار حکایتی نقل می‌کند که سهل بن عبدالله تستری سقوط یک کبوتر را تعبیر به مرگ کرده است: «نقل است که یک روز در مسجد نشسته بود، کبوتری در مسجد بیفتاد، از گرما و رنج، سهل گفت: شاه کرمان بمرد. آن سخن گوش داشتند، همچنان بود» (همان، ۳۱۳).

در متونی که به تعبیر خواب و رؤیا اختصاص دارد، و یا در منابعی که مطالبی در خصوص تعبیر رؤیا بیان کرده‌اند، به کبوتر اشاراتی شده است و دیدن کبوتر در خواب، تعبیرات جالبی دارد. ابن سیرین که از معبران معروف در جهان اسلام است، در یک مورد، کبوتر را به زن پاکدامن تشبیه کرده است: «الحمامه: هی المرأة الصالحة المحبوبة التي لا تبغی ببعْلِها بدیلاً» و نیز گوید اگر در هنگام مرضی باشد و در خواب ببیند کبوتری بر سر او می‌نشیند، آن کبوتر مرگ خواهد بود (ابن سیرین، ۱۳۵۹ق، ج ۱: ۴۰۷). دمیری در حیات‌الحيوان، حکایتی نقل کرده که تعبیر دیگری از حضور کبوتر در خواب است؛ شخصی نزد ابن سیرین رفت و گفت: در خواب دیدم کبوتری برای همسایه‌ام گرفتم ولی بالش شکست، ابن سیرین ناراحت شد و گفت دیگر چه دیدی؟ مرد گفت: کلاغی سیاه برپام خانه‌ام نشست و بر آن نوک می‌زد، ابن سیرین گفت: «ما أسرع ما أدبک ربک! أنت رجل تخالف إلى امرأة جارك، و أسود يخالفك إلى امرأتک» (دمیری، ۱۴۱۵ ج ۱: ۳۶۶). همچنین دمیری چند تعبیر دیگر برای دیدن کبوتر در خواب ذکر می‌کند، از جمله: شنیدن صدای بغبغوی کبوتر تعبیرش زنِ غُرْغُرُو است؛ دیدن کبوتری که به سوی او می‌آید و به او می‌نگرد، دال بر رسیدن خبر و نامه به اوست؛ فرار کردن کبوتر از دست شخص و بازنگشتنش، دال بر طلاق زن یا فوت زنش می‌باشد؛ اگر صاحب کبوتر باشد، کنیزکانی می‌خرد؛ همچنین از قول جاماسب حکیم نقل می‌کند که اگر کسی در خواب ببیند چشم کبوترش آسیب دیده است، در دین و ایمان همسرش خلل و نقصان وارد می‌شود (همان: ۳۷۳).

چنانچه ملاحظه می‌شود، کبوتر در نظر معبران، پرنده‌ای خوش‌یمن است که به دست آوردنش نشان خیر و خوبی است و از دست دادنش برابر با از دست رفتن خیر و رو کردن شر است. تفلیسی که یکی از متون کهن به زبان فارسی را در تعبیر خواب نوشته، همان‌طور که در همه‌جای کتاب دیدن کلاغ را به بدی تعبیر کرده است، دیدن کبوتر را موجب خیر و برکت می‌داند. از نظر او اگر شخصی در خواب ببیند کبوتری در خانه وی لانه کرده است، آن دال بر دولت است و نیز دیدن کبوتر بچه در خواب و یا خوردن آن، دال بر امنیت و رزق حلال است (تفلیسی، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

کبوتربازی: یکی از عمده‌ترین نقش‌ها/ کارکردهای کبوتر در جامعه، ابزار بازی و سرگرمی بودن آن است. کبوتربازی یکی از بازی‌های رایج در بین ایرانیان [و نیز سایر ملل] بوده و هست که سابقه‌ای دیرین دارد. دیگر معتقد است کبوتر بازی، سرگرمی‌ای کهن در بین ایرانیان بوده است و حتی فلور سابقه آن را تا دوران هخامنشیان می‌داند (دیگار، ۱۳۸۵: ۲۲۴). در گذشته‌های دور، انسان‌ها برای محافظت از محصول خود، با این پرنده بر سر مهر نبوده‌اند اما اندک اندک زیبایی، شکوه و پرواز زیبای این پرنده آنان را به تسلیم واداشت و نه تنها دیگر با آن در ستیز نبودند، بلکه به نگهداری آن روی آوردند. کبوتربازی، در میان تمام اقشار مختلف جامعه طرفدارانی داشته است، از پادشاهان و بزرگان گرفته تا فرهیختگان و ادیبان و عموم مردم. عبدالله مستوفی کبوتربازی را از بازی‌های رایج بین مردمان قدیم می‌داند که رفاه، آنان را به این کار سوق می‌داده است. وی اشاره می‌کند که بسیاری از بزرگان و شاهان و شاهزادگان نیز به این کار علاقه داشته‌اند و از قوانین جاری میان کبوتربازها و نحوه پراندن آن‌ها اطلاعاتی به دست داده است (مستوفی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۱۷). جعفر شهری، کبوتربازی را در کنار اعمالی مانند سگ‌بازی و زن‌بارگی و همجنس‌بازی قرار می‌دهد و بر کبوتربازان بسیار می‌تازد. وی کبوتربازی را موجب آزار و اذیت مردم می‌داند؛ چرا که کبوترباز با پرتاب سنگ و کلوخ و سروصدا و سوت زدن و نیز نگاه کردن خانه مردم، اسباب نارضایتی آنان را فراهم می‌کند. وی می‌گوید حضور یک کبوترباز، ارزش یک محله را پایین می‌آورد، تاجاییکه از ۱۰ محله که شایسته سکونت نیستند نام می‌برد و یکی از آن محلات، محله‌ای است که کفترباز دارد (شهری، ۱۳۶۹، ج ۴: ۱۰۶). این گزارش‌ها نشان می‌دهد، حداقل از دوران صفویه به بعد کبوتربازان چندان چهره و وجهه خوبی در اجتماع نداشته‌اند. شهری نقل می‌کند که بسیاری از ثروتمندان و اعیان جامعه بوده‌اند که پس از گرفتار شدن به کبوتربازی، به فقر و فلاکت افتاده‌اند (همان، ۱۱۱)؛ دمیری نیز نقل کرده است هرکس به کبوتربازی گرفتار شود، حتماً به فقر و فلاکت خواهد افتاد!

یکی از کهن‌ترین اشارات به کبوتربازی، سه بیت از شهر آشوب مسعود سعد سلمان است که در توصیف یار کبوترباز گفته است:

| | |
|--------------------------|-----------------------------|
| انس تو با کبوترست همه | نگری از هوس به چاکر خویش |
| هم به ساعت بر تو باز آید | هر کبوتر که رانی از بر خویش |
| رفتن و آمدن به نزد رهی | چون نیاموزی از کبوتر خویش |

(مسعود سعد، ۱۳۶۵، ج ۲: ۹۲۳).

البته از کبوتر در بازی‌های مختلفی استفاده می‌شده است و ایجاد سرگرمی با کبوتر، فقط منحصر در پرواز دادن کبوتر [کفتر پرانی] نبوده است. بنابر روایت بیهقی در ماجرای جشن سده سلطان مسعود، در کنار آتش بزرگی که برپا کرده بودند، کبوتران را نفت‌اندود می‌کرده و آتش می‌زده‌اند و به پرواز در می‌آورده‌اند (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۸۲). مقریزی نیز از یک بازی به نام «القبیق» یاد کرده است که با کبوتر انجام می‌شده است و برای تمرین تیراندازی بوده است: ولعبة القبق نوع من التدریب علی الرماية، وهی من ألعاب الفروسية، وطريقتها نصب صار طويل من الخشب فی رأسه شكل قرعة (وهو أصل معنى قبق) بمثابة الهدف ويوضع به حمام، ثم يأتي اللاعبون علی ظهور الخيل يرمون القبق، القرعة، بالنشاب وفائز من يطير الحمام وقد يستبدل بالقرعة حلقه من الخشب (مقريزي، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۱۱).

توجه شاهان به کبوتربازی

مشهور است که پرنده شاهان، عقاب است و در عین حال خود شاه پرندهگان محسوب می‌شود و به سبب ویژگی‌های ذاتی این پرنده همواره به صفات بلندمرتگی و بزرگمنشی موصوف بوده است. تاجایی که مثلاً حافظ در توصیف حقیقت آدمی یا روح آدمی، آن را به شاهباز تشبیه کرده است که نه بر هر درختی، بلکه بر درخت سدره می‌نشیند: که ای بلندنظر شاهباز سدره نشین نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است (حافظ، ۱۳۶۲: ۹۰).

اما با بررسی متون ادبی - تاریخی در می‌یابیم که تنها پرنده مورد علاقه شاهان، باز نبوده است، بلکه شاهان بسیاری بوده‌اند که نه تنها به کبوتر علاقه داشته بلکه خود کبوتربازی هم می‌کرده‌اند. این نشان می‌دهد که کبوتر پرنده‌ای ارزشمند و دارای منزلت بوده است. همان‌طور که پیش‌تر در بخش احادیث و روایات بیان شد کبوتر پرنده انبیاء است، ابن کثیر کبوتر را برای شاهان ضروری می‌داند و آن را فرشته پادشاهان می‌خواند: « وَمَا أَحْسَنَ مَا قَالَ فِيهِنَّ الْقَاضِي الْفَاضِلُ الْحَمَامُ مَلَائِكَةُ الْمُلُوكِ، وَقَدْ أَطْنَبَ ذَلِكَ الْعَمَادُ الْكَاتِبُ، وَأَطْرَبَ وَأَعْجَبَ وَأَغْرَبَ » (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۳۳۴). در تاریخ سیستان به علاقه طاهر بن محمد بن عمرو لیث به کبوتر بازی اشاره شده است که پس از پیروزی، شادی وی نوشیدن شراب و جمع کردن کبوتران و نگاه کردن و بازی با آن‌ها بوده است (تاریخ سیستان، ۱۳۸۹: ۲۷۵). دمیری حکایتی از هارون الرشید نقل می‌کند که هارون، نگاه کردن به کبوتران و کبوتربازی را بسیار دوست داشت. روزی شخصی کبوتری به او هدیه می‌کند و ابوالبختری که قاضی بوده، پیش او بوده و حدیثی مجعول از قول ابوهریره نقل می‌کند که برتر از نعل و سُم و بال چیزی نیست؛ هارون صله‌ای به ابوالبختری داد و پس از اینکه او مجلس هارون را ترک کرد، هارون دستور داد کبوتر را ذبح کنند! و در پاسخ به چرایی این کار، گفت: این کبوتر سبب شد که این مرد بر پیامبر خدا دروغ ببندد! (دمیری، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۳۶۷).

شیخ بهایی در کَشکول، حکایتی نقل می‌کند که طنزی در آن نهفته است؛ یکی از پادشاهان مصر بسیار کبوتربازی را دوست داشت و تصمیم گرفت کبوترش با کبوتر یکی از نوکرانش، در روستایی مسابقه دهد، از قضا کبوتر آن غلام پیروز شد و وزیر که می‌ترسید این را مستقیم به شاه بگوید، با دوبیت زیبا و طنزآمیز این خبر را به شاه داد: کبوتر شاه پیروز شد، اما چون کبوتر شاه است، همراه با حاجبی آمد!

يا أيها المولى الذى جده
لكل جدد قاهر غالب
طائرک السابق لکنه
أتى و فى خدمته حاجب

(عاملی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۳۲۳).

در احوال سلطان حسین بایقرا نیز آمده است که به قوچ‌بازی، خروس‌بازی و کبوتربازی میل تمام داشته و خاصه به کبوتربازی علاقه بسیاری داشته، تاجایی که به هر جا می‌رفته است، قفس‌های کبوترانش را همراهش می‌بردند. به همین سبب، قزوینی وی را کودک طبع می‌خواند! (حسینی قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۰۸). چنانچه پیش‌تر بیان کردیم، از ملزومات کبوتربازی، رفتن بر بالای بام است، در بادی امر چنین به نظر می‌آید که این کار را بیشتر عوام و مردمان کوچک و بازار انجام می‌داده‌اند، اما هلالی جغتایی در مثنوی شاه و درویش، اشاره می‌کند که شاه که از قضا کبوتر باز بوده است، برای کبوتربازی به بالای پشت بام می‌رفته!

سوى بام کبوتر آمد شاه
بر فراز فلک برآمد ماه
طرفه بامی، چنان که بام فلک
خیل خیل کبوتران چو ملک
در پریدن بلند پاینده او
چون هم‌ارجمند سایه او
قدح آب او ز چشمه مه
ارزشش از ستاره‌های سپهر

تا مگر شه به دست گیرد نی
شاه بالای سر کبوتر او
هر زمان گشته بر سرش جمعی
پیکر هر یک از لطافت پر
بسته از جان کمر به خدمت وی
چون سلیمان و مرغ بر سر او
همچو پروانه بر سر شمع
نازنین لعبتی پیری پیکر
(هلالی جغتایی، ۱۳۶۸: ۲۳۹).

اما این فقط شاهان نبودند که به کبوتربازی می‌پرداختند و به کبوتران علاقه‌مند بودند. در میان اقشار مختلف مردم نیز کبوتر و کبوتربازی بسیار رایج بوده است و تعداد کبوتربازان در جامعه بسیار بوده است و به تبع ملزوماتی که این بازی داشته است، مانند بالارفتن از در و دیوار، ماندن بر روی پشت بام‌ها، سر و صدا برای پراندن کبوتران و ... نوعی نارضایتی عمومی هم در جامعه ایجاد می‌کرده است. حکایتی از تذکره/اولیای عطار، مؤید این است: «چنان که نقل است که همسایه‌ای داشت کبوتر باختی همه روز او را و زنان او را رنجی عظیم بود که کبوتران بر سرای او می‌نشستند و شیخ هیچ نمی‌گفت. روزی شیخ قرآن می‌خواند. کبوتر باز سنگی به کبوتر انداخت. آن سنگ بر پیشانی شیخ آمد و بشکست و خون به رویش فرو دوید اصحاب شاد شدند گفتند سخنی بگوید و او را دفع کند که او مقبول القول است نزدیک مهتر نشابور تا ما از زحمت او برهیم. شیخ درویشی را بخواند. گفت: برو در آن بوستان شو و چوبی باز کن آن چوب باز کرد گفت: برو بدو ده و بگوی که این بار کبوتر را بدین برانگیز (عطار، ۱۴۰۱، ج ۱: ۸۱۵)». این مزاحمت‌ها گاه موجب صدور احکام شرعی و قانونی چندی در محدود کردن و یا ممنوعیت و تحریم کبوتر بازی شده است. مثلاً سیوطی نقل می‌کند که در زمان عثمان، در مدینه کبوتربازی رایج شده بود و عثمان با آن به مخالفت برخاست (سیوطی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۲۹). ابن کثیر از اقدامات المقتدی، خلیفه عباسی جهت اصلاح دینی جامعه، در کنار مجازات زناکاران و آوازه‌خوانان، از خراب کردن برج‌های کبوتربازی و ممنوعیت کبوتربازی یاد می‌کند (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۱۳۶). مخالفت با کبوتربازی، در ایران دوره صفوی بسیار اوج گرفت و هم از نظر شرعی حکم به تحریم آن دادند و هم شاهان صفوی آن را ممنوع اعلام کردند. فندرسکی از حکمی که شاه سلطان حسین در ممنوعیت کبوتربازی صادر کرده بود، سخن گفته است: «بساط لهو و لعبی که در هر کوی و محله و بازار گسترده شده بود همه در نور دیده شد، و نیز قدغن شد که جهال بی‌کمال به کبوتر پرانیدن که عبث‌ترین شغلها و بی‌فایده‌ترین کارها است بال نشاط افشانی مرغ طبع نجویند، و با وجود امکان تفال به میل به عبادت و رغبت به طاعت به اطاره طیر حمامه، طریق تطیر نیویند» (موسوی فندرسکی، ۱۳۸۸: ۳۶). در دوره قاجار و در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، حکمی از سوی نظمیه صادر شد که در آن به ممنوعیت کبوتربازی تصریح شده بود: «تکالیف مذکوره از قرار ذیل است: اولاً: منع و زجر و تهدید و تحدید زن‌بارگان و شراب‌خواران و قماربازان و قوچ و خروس و بلبل و کبوتربازان است که هر جا به این افعال شنیعه ارتکاب جویند، سخت سیاست و تنبیه خواهند شد» (فلور، ۱۳۶۶، ج ۱: ۶۲-۶۳). نکته جالب توجه این است که در تمام این دستورات، کبوتربازی در کنار مفسده‌هایی چون زن‌بارگی و شراب‌خواری و این دست اعمال قرار گرفته است.

حتی مخالفت با کبوتربازی و کبوتربازان تاجایی رسیده بود که برخی شهادتی کبوتربازان را از لحاظ شرعی پذیرفتنی نمی‌دانستند. ابن قدامه مقدسی، حکمی در ردّ شهادت کبوترباز نقل می‌کند و دلیل او برای این حکم این است که کبوتربازی نوعی حماقت و نادانی است و کبوترباز موجب آزار همسایگان می‌شود: «وَاللَّاعِبُ بِالْحَمَامِ يُطِيرُهَا، لَا شَهَادَةَ لَهُ. وَهَذَا قَوْلُ أَصْحَابِ الرَّأْيِ. وَكَانَ شَرِيحٌ لَا يُجِيزُ شَهَادَةَ صَاحِبِ حَمَامٍ وَلَا حَمَامٍ؛ وَذَلِكَ لِأَنَّهُ سَفَهُ وَدَنَاءَةٌ وَقَلَّةُ مَرُوءَةٍ، وَيَتَضَمَّنُ أَدَى الْجِيرَانِ بِطِيرِهِ، وَإِشْرَافِهِ عَلَى دُورِهِمْ، وَرَمِيهِ إِيَّاهَا بِالْحِجَارَةِ» (ابن قدامه مقدسی، ۱۹۶۸، ج ۱۰: ۱۵۲).

نتیجه‌گیری

کبوتر یکی از شناخته شده‌ترین پرندگانی است که از قرن‌ها پیش با انسان‌ها همزیستی بسیار گسترده‌ای داشته است. در فرهنگ ایرانیان نیز کبوتر نقش بسیار پررنگی داشته است و از دوران باستان تا امروز، ایرانیان به این پرنده توجه ویژه‌ای داشته‌اند. براساس اسناد و مدارک از متون ادبی و تاریخی، در دوران پس از اسلام، نزد مسلمین و خاصه نزد ایرانیان، کبوتر از اهمیت و احترام بسیاری برخوردار شد. بخشی از این امر به سبب حضور پررنگ این پرنده در متون دینی و مذهبی است و نیز توصیه‌هایی که از پیامبر اسلام و بزرگان دین برای نگهداری از این پرنده به دست ما رسیده است. استفاده از کبوتر در مصارف کشاورزی و پزشکی و به تبع آن ساختن بناهایی به نام کبوترخانه که محل نگهداری کبوتران بوده است، از دیگر کارکردهای کبوتر در اجتماع انسانی بوده است. همچنین قابلیت‌های جهت‌یابی این پرنده، سبب شده بود که در گذشته یکی از عوامل اصلی برای انتقال اطلاعات و نامه‌رسانی باشد. از سوی دیگر، کبوتربازی از شایع‌ترین بازی‌هایی بود که انسان با حیوانات انجام می‌داد و این کبوتربازی در متون تاریخی و ادبی بازتاب بسیار گسترده‌ای دارد؛ تاجایی که حتی برخی از شاهان نیز به این بازی می‌پرداختند. در میان عموم مردم نیز کبوتربازی بسیار رایج بوده است تا حدی که در برخی از ادوار تاریخی، به سبب آزارهایی که کبوتربازان برای مردمان ایجاد می‌کرده‌اند، کبوتربازی از لحاظ قانونی ممنوع اعلام و در برهه‌هایی نیز از لحاظ شرعی حرام شد. این مقاله، با مراجعه به متون دینی و مذهبی و نیز متون ادبی و تاریخی و آثار علمی گذشتگان، نشان داده است که کبوتر شناخته شده‌ترین و در عین حال اجتماع‌پذیرترین پرنده و شاید بتوان گفت اجتماعی‌ترین حیوانی است که در طول قرون و اعصار در جوار انسان‌ها بوده و با انسان‌ها همزیستی کرده و نقش‌ها و کارکردهای گوناگونی داشته است.

منابع

- ابن سیرین، محمد ابی بکر (۱۳۵۹ ه.ق). منتخب الکلام فی تفسیر الأحلام، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي وأولاده.
- ابن قدامه مقدسی، ابو محمد (۱۹۶۸). *المغنی*، مصر: مکتبه القايره.
- ابن کثیر، عمادالدین ابوفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸). *البدایه و النهایه*، محقق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابونصری هروی، قاسم بن یوسف (۲۵۳۶). *ارشاد الزراعه*، به اهتمام محمد مشیری، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، تحقیق عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- بیرجندی، عبدالعلی (۱۳۸۷). *معرفت فلاحی*، تصحیح ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب.
- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین (۱۳۹۰). *تاریخ بیهقی* (دیبای دیداری)، تصحیح دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران: سخن.
- *تاریخ سیستان* (۱۳۸۹). تصحیح ملک‌الشعرا بهار، تهران: اساطیر.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری و تجدیدنظر و تصحیح دکتر حمید شیرانی، تهران: سنایی و کتابفروشی تایید اصفهان.
- تفرلیسی، کمال‌الدین ابوالفضل (۱۳۸۸). *کامل‌التعبیر*، تصحیح و تحقیق سید حسین رضوی برقی، تهران: نشر نی.
- جکسن، ابراهم و. ویلیامز (۱۳۵۷). *سفرنامه جکسن*، ترجمه منوچهر امیری، فریدون بدره‌ای، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲). *دیوان*، تصحیح دکتر خانلری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- حسینی قزوینی، سیدعبدلطیف (۱۳۱۴). *لب‌التواریخ*، به کوشش سیدجلال‌الدین طهرانی، تهران: کلاله خاور.
- خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۸۸). *دیوان*، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، چاپ نهم، تهران: زوار.
- دمیری، کمال‌الدین محمد (۱۴۱۵). *حیاه الحیوان الکبری*، ج ۱، وضع حواشیه و قدم له: احمدحسن بسج، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- دنیسری، شمس‌الدین محمدبن امین‌الدین (۱۳۸۷). *نوادرالتبادر لتحفه البهادر*، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دیگر، ژان پیر (۱۳۸۵). مردم‌شناسی انسان و حیوانات اهلی، ترجمه اصغر کریمی، تهران: نشر افکار.
- سعداوی، نظیر حسان (۱۹۵۳). *نظام‌البرید فی الدوله الاسلامیه*، مصر: دار مصیر للطباعه.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۲۵). *تاریخ الخلفاء*، محقق: حمدی الدمرداش، مکه: مکتبه نزار مصطفی‌الباز.
- شاردن (۱۳۳۶). *سیاحتنامه شاردن*، ج ۴، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). *فرهنگ اشارات*، تهران: نشر میترا.
- شوالیه، ژان (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها، ج ۴، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون.
- شهری، جعفر (۱۳۶۹). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- طبری، ابی‌جعفر محمدبن جریر (بی‌تا). *تفسیر الطبری*، حقه و علق حواشیه: محمود محمدشاکر، الطبعة الثانية، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
- عاملی، بهاء‌الدین محمد (۱۳۸۵). *کشکول*، تحقیق سید محمد سید حسین المعلم، قم: مکتبه الحیدریه.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶). جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- کرمانی، محمدخان (بی‌تا). *رساله در علم فلاحت*، بی‌جا.
- کلینی رازی، ابی‌جعفر محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*، المحقق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*، تحقیق: السید ابراهیم المیانجی، محمد باقر البهبودی، لطبعه: الثالثة المصححة، بیروت: دارالاحیاء التراث.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸). *شرح زندگانی من*، چاپ ششم، تهران: زوار.
- مسعود سعد (۱۳۶۵). *دیوان*، به اهتمام و تصحیح مهدی نوریان، تهران: انتشارات کمال.
- مقریزی، تقی‌الدین ابی‌العباس (۱۴۱۸). *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار*، وضع حواشیه: خلیل المنصور، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مقدسی، مطهرین طاهر (۱۳۸۶). *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ سوم، تهران: آگه.
- موسوی فندرسکی، ابوطالب (۱۳۸۸). *تحفه العالم* در اوصاف و اخبار شاه سلطان حسین، تصحیح رسول جعفریان، تهران: کتابخانه مجلس.
- میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۶۱). *کشف‌الاسرار و عده الابرار*، تصحیح علی اصغر حکمت، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- نظامی عروضی، احمدبن عمر (۱۳۸۸). *چهارمقاله*، تصحیح علامه قزوینی و تصحیح مجدد و شرح دکتر محمد معین، چاپ دوم، تهران: انتشارات معین.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۹۲). *مرزبان‌نامه*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ هجدهم، تهران: صفی‌علیشاه.
- هجویری، ابوالحسن علی‌بن عثمان (۱۳۹۰). *کشف‌المحجوب*، تصحیح دکتر محمود عابدی، چاپ هفتم، تهران: سروش.
- هلالی جغتایی، بدرالدین (۱۳۶۸). *دیوان*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: سنایی.